



The Role of Social Networks in the Adaptation and Adjustment of Afghan Refugees (Case Study: Afghan Students Studying in Iranian Universities)

Elham Arabpour¹ | Susan Bastani² | Mansoureh azam Azadeh³ | Saideh Saidi⁴

1. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: earabpour@yahoo.com
2. Department of Sociology, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: sbastani@alzahra.ac.ir
3. Department of Sociology, Faculty of Social and Economic Sciences, Alzahra University, Tehran, Iran.
Email: m.azadeh@alzahra.ac.ir
4. Department of Anthropology and Cultural Studies, Institute for Cultural, Social and Civilizational Studies, Tehran, Iran.
Email: saidi@iscs.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 19 October 2024

Received in revised form: 19
January 2025

Accepted: 06 February 2025

Published online: 15 March
2025

Keywords:

Afghanistan, Immigrant
Students, Qualitative Social
Network Analysis, Social
Networks..

ABSTRACT

As migration expands, one of the trends affecting education and international mobility is the increase in inequalities at the national and global levels. With the rise of the Taliban in Afghanistan in 2021 and the increase in ethnic, gender, and political and religious extremism, equal access to educational and career opportunities has been limited for a group. The presence of more than half a century of Afghan migrants in Iranian society, coupled with the recent movements of migrant students from Afghanistan, has made Iranian universities one of the important centers of student admission. The aim of this study is to examine the process of formation and the role of networks in the entry and adaptation of new migrant students to the country.

The method of the present article is qualitative social network analysis. The target population is 29 Afghan migrant students studying at Iranian universities, who were selected using purposive and snowball sampling.

The findings of the study showed that immigrant students, by being included in primary and secondary student networks, meet a large part of their needs and provide conditions for their adaptation and adaptation to the destination. Accordingly, the mechanisms for forming relationships in networks, especially among newly arrived students, are the preference for establishing interactions and connections with people similar to themselves (the principle of homophilia). This similarity was more pronounced in terms of being a student, being Afghan, being of the same ethnicity, and being of the same religion than in other cases; while among second and third generation immigrants, there are broader networks with numerous strong and weak ties from the Afghan immigrant community as well as the Iranian community.

Although students apparently admit that ethnic prejudices do not play a role in the formation of their connections and interactions in existing networks, in reality, there are signs of invisible boundaries between them and the dominance of ethnic sediments in establishing interactions and connections. This view is more pronounced among newly arrived students from Afghanistan and less pronounced among second and third generation immigrants who grew up in Iran, and it manifests itself unconsciously in some interactions.

Cite this article: Arabpour, E.; Bastani, S.; Azadeh, M. & Saidi, S. (2025) The Role of Social Networks in the Adaptation and Adjustment of Afghan Refugees (Case Study: Afghan Students Studying in Iranian Universities). *Social Studies and Research in Iran*, 14(1):51-70. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.385574.1553>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.385574.1553>

نقش شبکه‌های اجتماعی در سازگاری و انطباق مهاجران افغانستانی (مورد مطالعه: دانشجویان افغانستانی مشغول تحصیل در دانشگاه‌های ایران) الهام عرب‌پور^۱ سوسن باستانی^۲ منصوره اعظم‌آزاده^۳ سعیده سعیدی^۴

۱. نویسنده مسؤل، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: earabpour@yahoo.com

۲. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: sbastani@alzahra.ac.ir

۳. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: m.azadeh@alzahra.ac.ir

۴. گروه انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و تمدنی، تهران، ایران. رایانامه: saidi@iscs.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	با گسترش مهاجرت‌ها، یکی از روندهای اثرگذار بر آموزش و جابه‌جایی‌های بین‌المللی، افزایش نابرابری‌ها در سطح ملی و جهانی است. با قدرت‌گیری طالبان در افغانستان در سال ۲۰۲۱ و افزایش تبعیض‌های قومیتی، جنسیتی و افراطی‌گری‌های سیاسی و مذهبی، دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و شغلی برای گروهی محدود شده است. حضور بیش از نیم قرن مهاجران افغانستانی در جامعه ایرانی، همراه با تحرکات اخیر دانشجویان مهاجر از افغانستان، دانشگاه‌های ایران را به یکی از مراکز مهم پذیرش دانشجو تبدیل کرده است. هدف این مطالعه بررسی روند شکل‌گیری و نقش شبکه‌ها در ورود و سازگاری دانشجویان مهاجر جدید به کشور است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۲۸	روش مقاله حاضر تحلیل کیفی شبکه اجتماعی است. جامعه هدف ۲۹ دانشجوی مهاجر افغانستانی مشغول تحصیل در دانشگاه‌های ایران هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰	یافته‌های پژوهش نشان داد دانشجویان مهاجر با قرارگرفتن در شبکه‌های اولیه و ثانویه دانشجویی، بخش عمده‌ای از نیازهایشان رفع می‌شود و شرایط سازگاری و انطباقشان با مقصد بیشتر فراهم می‌شود. بر همین اساس نیز مکانیسم‌های شکل‌گیری روابط در شبکه‌ها به‌خصوص در بین دانشجویان تازه‌وارد، ترجیح برقراری تعامل و پیوند با افرادی شبیه خودشان (اصل هموفیلی) است. این شباهت از منظر دانشجویبودن، افغانستانی‌بودن، هم‌قوم و هم‌مذهب‌بودن بیش از سایر موارد بود؛ درحالی‌که در بین مهاجران نسل دوم و سوم، شبکه‌های گسترده‌تری همراه با پیوندهای قوی و ضعیف متعدد از جامعه مهاجران افغانستانی و همین‌طور جامعه ایرانی وجود دارد.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸	هرچند دانشجویان در ظاهر اذعان دارند که تعصبات قومیتی در شکل‌گیری پیوندها و تعاملاتشان در شبکه‌های موجود نقشی ندارد، اما در واقعیت امر نشانه‌هایی از مرزهای نامرئی موجود در بین آن‌ها و غلبه تنه‌نشست‌های قومیتی در برقراری تعاملات و پیوندها مشاهده می‌شود. این نگاه در بین دانشجویان تازه‌وارد از افغانستان پررنگ‌تر و در بین مهاجران نسل دوم و سوم که در فضای ایران رشد کرده‌اند، کمتر نمود دارد و در برخی تعاملات، ناخودآگاه خود را نشان می‌دهد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
افغانستان، تحلیل کیفی شبکه اجتماعی، دانشجویان مهاجر، شبکه‌های اجتماعی.	

استناد: عرب‌پور، الهام؛ باستانی، سوسن؛ آزاده، منصوره و سعیدی، سعیده (۱۴۰۴). نقش شبکه‌های اجتماعی در سازگاری و انطباق مهاجران افغانستانی (مورد مطالعه:

دانشجویان افغانستانی مشغول تحصیل در دانشگاه‌های ایران)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۴(۱): ۷۰-۵۱.

<https://doi.org/10.22059/jisr.2025.385574.1553>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.385574.1553>

۱. مقدمه و بیان مسئله

شرایط اجتماعی و سیاسی خاص افغانستان سبب شده مهاجرت به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از شرایط نامطلوب و به‌عنوان ابزاری دارای ارزش اجتماعی عمل کند که در میان افراد تحصیل‌کرده پذیرش دارد و از مطلوبیت عام برخوردار است (آرامی و اعظم‌آزاده، ۱۴۰۳). مهاجرت یکی از نیروهای اصلی محرک دگرگونی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جمعیتی کشورها است. سازگاری با شرایط زیست در یک کشور جدید برای مهاجر می‌تواند یک تجربه پراسترس همراه با چالش‌های متعدد باشد. ساخت روابط جدید، دستیابی به منابع مرتبط ارزشمند و تشکیل یک زندگی تازه در کشور جدید تا حد زیادی به توانایی مهاجران در دسترسی به پیوندها و توسعه سرمایه اجتماعی آن‌ها بستگی دارد (دوپلوی^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

همجواری جغرافیایی با افغانستان همراه با اشتراکات مذهبی، فرهنگی، زبانی و حضور خویشاوندان و دوستان در ایران، کشور را به یکی از مقاصد اصلی مهاجران افغانستانی تبدیل کرده است و این روند با شرایط جدید حاکم بر افغانستان (قدرت‌گیری طالبان) تداوم خواهد داشت. با به‌قدرت‌رسیدن دوباره طالبان در افغانستان (۲۰۲۱) فضای جدیدی در این کشور حکم‌فرما شده است. بیکاری، بی‌ثباتی اقتصادی، ناامنی برای برخی گروه‌ها و اقوام، جلوگیری از تحصیل زنان و دختران و بسته‌شدن بسیاری از مراکز آموزشی و تحصیلی، موج جدیدی از مهاجرت از این کشور را شکل داده است. تأثیر عوامل کلان اثرگذار بر اقتصاد سیاسی جهانی و شرایط زیستی و امنیتی، در کنار تمایل دانشجویان برای دسترسی به فرصت‌ها و موقعیت‌های نوظهور پیشرفت برای تحصیل در خارج از کشور، به شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی مهاجرتی دانشجویان در سراسر جهان از جمله ایران منجر شده است. یکی از روندهای اثرگذار بر آموزش و جابه‌جایی‌های بین‌المللی، افزایش نابرابری‌ها در سطح ملی و جهانی است. از جمله در افغانستان، بخشی از این نابرابری‌ها ریشه در عواملی مانند افزایش تبعیض‌های قومیتی، جنسیتی و افراطی‌گری‌های سیاسی و مذهبی دارند که با محدودکردن فرصت‌های برابر آموزش برای دانشجویان به‌خصوص دختران، آن‌ها را از دسترسی به فرصت‌های آموزشی و شغلی در کشور خودشان و حتی گاهی در سطح بین‌المللی محروم می‌کند. تجربه حضور بیش از نیم قرن مهاجران افغانستانی در جامعه ایرانی، نشانه درهم‌تنیدگی فرهنگی و جدایی‌ناپذیری آن‌ها در ارکان مختلف جامعه ایران است. در این میان، دانشگاه‌های ایران و حوزه آموزش، پذیرای بخش زیادی از دانشجویان خارجی از جمله مهاجران افغانستانی است.

اتباع افغانستانی به‌عنوان بزرگ‌ترین بازیگر غیرایرانی نهاد آموزش در ایران در قالب دانشجو و فارغ‌التحصیل حضور پررنگ دارند و به‌واسطه تجربه در نهاد آموزش ایران، زیست و تعاملات این گروه متفاوت با سایرین با صبغه‌ای فرهنگی و اجتماعی است. از ویژگی‌های بارز جامعه مهاجران افغانستانی در ایران گسترده‌بودن جمعیت، جوان‌بودن، شهرنشینی، ابهام در وضعیت اقامتی و ظهور نسل دوم و سوم مهاجران است. تجربه تولد و بزرگ‌شدن در ایران، مهاجران را در وضعیتی موقت و مبهم قرار می‌دهد و با عنوان دیگری شناخته می‌شوند. گروه‌های درحاشیه‌ای که نه کاملاً خودی محسوب می‌شوند و نه کاملاً بیرون از جامعه و از سویی ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه میزبان آن‌ها را به چشم غریبه و بیگانه می‌بینند و این احساس غریبی چالش مضاعفی را برای نسل جدید مهاجران افغانستانی ساکن ایران به همراه دارد (سعیدی، ۱۴۰۱).

جمعیت دانشجویان خارجی در ایران با افزایشی ۲/۵ برابری از ۵۱ هزار و ۸۱۱ دانشجو در سال ۱۳۹۵ به ۱۳۰ هزار و ۱۱۳ دانشجو در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همچنین نسبت به سال ۱۳۹۹ جمعیت دانشجویان خارجی در ایران با افزایشی تقریباً ۴۲ درصدی همراه

بوده است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۴۰۱). طبق داده‌های دانشگاه آزاد اسلامی، داده‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و داده‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشورهای عراق، افغانستان و پاکستان با اختلاف زیاد نسبت به سایر کشورها، مهم‌ترین کشورهای مبدأ دانشجویان خارجی در ایران به‌شمار می‌روند.

در بین جامعه مهاجر دانشجویان افغانستانی در ایران، تنوع و تفاوت‌های زیادی وجود دارد. تنوع قومی و مذهبی، حضور نسل‌های مختلف مهاجران در ایران با وضعیت اقامتی متفاوت، تمایز در ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دانشجویان مهاجر از جمله این موارد است. درحالی‌که گروهی از دانشجویان از شهرهای مختلف افغانستان برای تحصیل به دانشگاه‌های ایران می‌آیند، گروهی از آن‌ها متولد یا بزرگ‌شده در ایران هستند و به‌عنوان دانشجوی افغانستانی مشغول به تحصیل‌اند. این دانشجویان از گروه‌های قومیتی و مذهبی مختلف افغانستان هستند و تفاوت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان دانشجویان افغانستانی، تنوعی از الگوها، راهبردهای بقا و زیست براساس میزان تعلق و وابستگی به اجتماع ایرانی و افغانستانی در حوزه‌ها و قلمروهای مختلف زندگی (نظیر شبکه و تعاملات اجتماعی، هویت و تعلق اجتماعی، زبان و لهجه، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری، بازگشت و برنامه برای آینده) را در میان دانشجویان مهاجر شکل داده است. گزارش کمیسیون اروپا (۲۰۱۸) نشان می‌دهد مهاجران بین‌المللی نسبت به همسالان خود در کشور مبدأ تمایل دارند تحصیلات بالاتر از حد متوسط داشته باشند، سالم‌تر باشند و نوعی تحرک رو به بالا را تجربه کنند. مهاجران و افراد مکان‌هایی را ترک می‌کنند که از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا مکانی عقب مانده‌اند و به دنبال کیفیت زندگی بهتری هستند (اولسلوز^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). در این پژوهش توجه ویژه‌ای به دانشجویان مهاجر برای دستیابی به منابع برای بقا، تعاملات و پیوندهای درون‌گروهی و برون‌گروهی و سازگاری و انطباق با جامعه میزبان از طریق شبکه‌ها داریم. در تصمیم برای مهاجرت، بسیاری از عوامل از چشم‌انداز اشتغال و امکانات رفاهی تا ملاحظات مربوط به چرخه زندگی و هزینه‌های مهاجرت مؤثرند. در هریک از این عوامل، شبکه‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند و افراد نه به‌صورت تک‌افتاده، که تعبیه‌شده^۲ در شبکه‌ای از روابط اجتماعی عمل می‌کنند (گرانووتر^۳، ۱۹۸۵). مهاجران و تازه‌واردان از شبکه به‌عنوان راهبردی برای بقا و سازگاری بهره می‌گیرند. در این زمینه بیچ^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به نقش شبکه‌های اجتماعی در تحرک بین‌المللی دانشجویی اشاره می‌کند و ادعا می‌کند که شبکه‌های اجتماعی دوستی و خویشاوندی برای دانشجویانی که تصمیم به تحصیل در خارج از کشور می‌گیرند، تعیین‌کننده‌های حیاتی هستند. او از طریق مصاحبه با ۳۸ دانشجوی بین‌المللی آموزش عالی که در سه دانشگاه بریتانیا تحصیل می‌کنند، استدلال می‌کند که دانشجویانی که تحصیل در خارج از کشور را انتخاب می‌کنند در خلأ عمل نمی‌کنند، بلکه از شبکه‌های گسترده‌ای از افرادی استفاده می‌کنند که خودشان انتخاب کرده‌اند این کار را انجام دهند یا از تحصیل در خارج از کشور حمایت می‌کنند.

یونیونگ^۵ (۲۰۰۹) به نقش شبکه‌های دانشجویی در تجربه انطباق سال اول کالج دانشجویان مهاجر اقلیت پرداخت. نتایج پژوهش که از طریق مصاحبه عمیق با ۴۹ دانشجو به‌دست آمد نشان داد دانشجویان تمایل داشتند برای انطباق با محیط کالج، به شبکه‌های قومیتی خودشان به‌جای عوامل نهادی در هنگام کمک تکیه کنند. همچنین عضویت در شبکه همتایان قومی در محوطه دانشگاه نقش مثبتی در کمک به دانشجویان مهاجر اقلیت ایفا کرده بود که از نظر تحصیلی بتوانند با کالج سازگار شوند.

1. Ulceluse
2. Embedded
3. Granovetter
4. Beech
5. Eunyong

در حوزه دانشجویان مهاجر افغانستانی و شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغانستانی مهم‌ترین پژوهش‌ها به قرار زیر است. در پیمایشی که رصدخانه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ با عنوان «بررسی تمایلات و انگیزه‌های مهاجرتی دانشجویان خارجی در ایران» انجام داد، مشخص شد مهم‌ترین دلایل دانشجویان افغانستانی و عراقی برای تحصیل در دانشگاه‌های ایران، به ترتیب فراهم‌نبودن فرصت تحصیل در کشور خود، مجاورت جغرافیایی، عدم نیاز به داشتن مدرک زبان بین‌المللی، امنیت فراوان، دریافت بورسیه تحصیلی از دولت ایران، کیفیت آموزش، وجود فرصت‌های تحصیلی برای زنان، سهولت پذیرش در دانشگاه‌ها و هزینه‌های مناسب تحصیل است. همچنین مهم‌ترین چالش دانشجویان افغانستانی که بسیاری از آن‌ها متولد ایران هستند، قانون تبدیل وضعیت اقامتی به‌عنوان مهم‌ترین چالش یاد شده است؛ چرا که طبق قوانین ایران، آن دسته از پناهندگانی که قصد تحصیل در دانشگاه‌های ایران را داشته باشند، باید وضعیت خود را از پناهنده به اتباع خارجی دارای گذرنامه تبدیل کنند. به این ترتیب باید کارت آمایش خود را تحویل دهند و از دولت کشور مبدأ تقاضای گذرنامه کنند. علاوه بر این آن‌ها موظف‌اند شهریه خود را مانند دانشجویان سایر کشورها به نرخ ارز پرداخت کنند و برای بسیاری از آن‌ها نوسانات ارزی مشکلات اقتصادی را به همراه دارد.

سعیدی و فلاحتی (۱۳۹۹) نیز در «تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران» دریافتند آموزش عالی ایران با تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی دختران افغانستانی نقش مهمی در تحرک عمودی آنان داشته است، اما موانعی که در مرحله پیش از ورود به دانشگاه وجود دارد، فرایند فرهنگ‌پذیری این گروه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سختی مضاعف کنکور با موضوع شهرها و رشته‌های ممنوع، تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه دانشجویان بین‌المللی، چالش‌های بوروکراتیک انتقال از نهاد آموزش و پرورش به نهاد آموزش عالی، ضعف اطلاع‌رسانی و نبود وحدت رویه در سیاست‌گذاری‌های حوزه مهاجرت، تأثیر روابط سیاسی دو کشور و معادلات منطقه‌ای بر نهاد دانشگاه، چالش شهریه، ابهام در بورسیه‌های تحصیلی و تأثیر قانون تبدیل وضعیت اقامتی مهاجران در ریزش سهم دختران در آموزش عالی از مهم‌ترین چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ایران است.

سعیدی (۱۳۹۹) نیز به بررسی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا پرداخت و مهم‌ترین تغییر مثبت ناشی از موقعیت کرونا را مرئی‌شدن حضور مهاجران در سطح افکار عمومی و سیاست‌گذاری تلقی کرد که زمینه ادغام ساختاری دانشجویان مهاجر را تا حدی تسهیل کرده است. علاوه بر این بحران کرونا با فربه کردن مفهوم هم‌سرنوشتی، دستگاه سیاست‌گذار را متوجه این موضوع کرد که مغفول گذاشتن بخشی از جمعیت کشور برخلاف منافع ملی است و پتانسیل تهدید دارد.

میرزایی (۱۳۹۶) با بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران به این نتیجه رسید که با وجود فشار برای بازگرداندن خانواده‌ها، مهاجران به دلایل امنیتی، اقتصادی و فرهنگی حاضر به ترک ایران نیستند. زیرساخت‌های اقتصادی-فرهنگی همچنان در امر تحصیل مهاجران نقش اساسی دارد و آموزش علاوه بر بهبود فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجران، به کاهش تعداد کودکان کار مهاجر منجر می‌شود. به علاوه مدارس بهترین مکان برای جامعه‌پذیری و ادغام نسل جدید مهاجران است.

ایران همواره یکی از مقاصد اصلی دانشجویان افغانستانی است و مسائل مهاجران در حوزه آموزش عالی ایران، از جمله چالش‌های اقامتی- بوروکراتیک، رشته‌های ممنوع، شهریه، بورسیه، اشتغال و... نیاز آن‌ها را به شبکه‌های اجتماعی دانشجویی و مهاجرتی بیشتر کرده است تا امکان انطباق با موقعیت و شناخت جامعه میزبان فراهم شود. پژوهش حاضر با درک این خلأ، با رصد شبکه‌های دانشجویان مهاجر نقش این شبکه‌ها را در جذب و انطباق دانشجویان با شرایط ایران بررسی می‌کند. براین اساس هدف اصلی این مطالعه علاوه بر گسترش مطالعات شبکه‌های اجتماعی، بررسی روند شکل‌گیری و نقش شبکه‌ها در ورود و سازگاری دانشجویان مهاجر جدید به کشور است.

پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. چگونه شبکه‌های اجتماعی مهاجران نقش تسهیل‌کننده در پذیرش، ورود و اسکان آن‌ها در کشور دارند؟
۲. شبکه‌های اجتماعی دانشجویان جدیدالورود افغانستانی به ایران چه تفاوتی با شبکه‌های دانشجویان مهاجر نسل دوم و سوم دارد که سال‌ها است در ایران سکونت دارند؟
۳. مهم‌ترین منابع ردوبدل شده در شبکه‌های اجتماعی دانشجویان مهاجر چیست؟

۲. ملاحظات مفهومی

در پژوهش‌های کیفی، محقق اغلب الزامی در کاربرد نظریه‌های موجود ندارد. اما به‌منظور فهم بیشتر موضوع و خالی‌نبودن ذهن محقق، برخی مفاهیم مرتبط با شبکه، به‌اجمال مرور می‌شود.

در تئوری شبکه‌محور، شبکه ساختاری اجتماعی است که از گره‌ها و پیوندهای بین کنشگران تشکیل شده است. در این معنا، شبکه مجموعه‌ای از گره‌ها و پیوندهای^۱ بین کنشگران است. گره‌ها می‌توانند فرد، گروه، سازمان و کشور باشند. افرادی که فرد واقع‌شده در مرکز شبکه با آنان در تماس است، دیگران نامیده می‌شوند و روابط واقعی و موجود، پیوند خوانده می‌شود. یکی از تمایزهای بین پیوندهای موجود، خویشاوندی و غیرخویشاوندی بودن آن‌ها است. پیوندهای خویشاوندی معمولاً براساس روابط تعهدآور و وابستگی عاطفی شکل می‌گیرد و احتمالاً دسترسی به حمایت‌های اجتماعی بیشتری را فراهم می‌آورد (باستانی، ۲۰۰۱). همچنین تمایز بین پیوندها براساس قوت و ضعف آن‌ها صورت می‌گیرد. بر این مبنا خویشاوندان نزدیک و دوستان پیوندهای قوی هستند و همکاران، همسایگان و دیگر آشنایان که نقش حاشیه‌ای ایفا می‌کنند یا نقش خاصی در شبکه یک فرد دارند، پیوندهای ضعیف نامیده می‌شوند (گرانووتر، ۱۹۷۳). پیوندهای قوی‌تر برای فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی در سطح بالا مناسب هستند؛ درحالی‌که پیوندهای ضعیف‌تر، دسترسی به منابع کمیاب مانند اطلاعات استخدام و شغل را امکان‌پذیر می‌سازند (باستانی و ساعی‌مهر، ۱۳۸۶).

براساس تئوری شبکه مهاجرت، زمانی که شبکه‌های اجتماعی بین مردم در کشورهای مبدأ و مقصد رایج باشد، مهاجرت بیشتر اتفاق می‌افتد (مسی و اسپانا، ۱۹۸۷). این قانون تصریح می‌کند که مهاجرت از طریق شبکه‌ها به یک فرایند خودپایدار تبدیل می‌شود که در آن مهاجران قبلی، مهاجرت تازه‌واردان را تسهیل می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی فراملی ارائه‌دهندگان مهم انواع حمایت در طول فرایندهای مهاجرت هستند، از جمله حمایت عاطفی، ابزاری، مالی و اطلاعاتی. علاوه بر جامعه در سطح کلان، که تعاملات گسترده‌ای را در خود جای می‌دهد، اجتماع کوچک‌تری با عنوان اجتماع شبکه‌ای^۲ مطرح می‌شود که شبکه روابط غیررسمی فرد است و مانند جامعه بزرگ‌تر دارای سازوکارهای روابط و تولید اعتماد است. روابط و پیوندهای اجتماعی بنا بر رویکرد تحلیل شبکه، سرمایه اجتماعی و دارایی فرد محسوب می‌شوند و در دستیابی به منابع و حمایت‌های موجود در شبکه مؤثرند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۷).

برای مهاجران، سازگاری با زندگی در کشور جدید مشکلات و فشارهای زیادی را به همراه دارد که نیازمند حمایت اجتماعی است. هموطنان بهترین منبع چنین حمایتی هستند؛ زیرا آن‌ها مشکلات و استرس‌های ناشی از تجربیات شخصی را می‌فهمند. افراد باتجربه‌تر، تجربه مقابله با مشکلات را دارند و دارای فرهنگ مشترک با هموطنان مهاجر هستند؛ بنابراین می‌توانند به‌خوبی با آن‌ها ارتباط برقرار

1. Nodes and Ties
2. Massey and Espana
3. Network Community

کنند و حمایت و پشتیبانی از آن‌ها را با روشی قابل قبول از نظر فرهنگی ارائه دهند (مجسکی^۱، ۲۰۱۷). یافته‌های پژوهش شکوری (۱۴۰۳) نیز نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های دوستانه از منابع مهم ارائه حمایت اجتماعی به نودانشجویان هستند. شبکه‌های اجتماعی پس از مهاجرت می‌توانند اطلاعات مهمی را برای درک شرایط زیست، اقامت و تحصیل، سازگاری با محیط اجتماعی جدید، اشتغال و دستمزد در بین افراد در حاشیه به‌ویژه مهاجران و اقلیت‌ها را فراهم کنند و بسیار مفید باشند. همچنین یکی از منابع مهم تنوع شبکه، عضویت در انجمن‌های داوطلبانه است (لائر و یان^۲، ۲۰۱۳؛ پاتنام^۳، ۲۰۰۷). مهاجران می‌توانند با شرکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه در معرض گروه‌های مختلف مردم قرار بگیرند. این تماس‌ها و ارتباطات می‌تواند به مهاجران در تعیین موقعیت شغلی کمک کند.

۳. روش پژوهش

مطالعه جریان‌های مهاجرت با استفاده از تحلیل شبکه اجتماعی، یک زمینه مطالعاتی نسبتاً جدید، اما در حال گسترش است. علی‌رغم اذعان به ماهیت شبکه‌ای فرایندهای مهاجرت، روش‌شناسی شبکه‌های اجتماعی تا همین اواخر به‌ندرت در خط‌مقدم چنین مطالعاتی قرار داشته است. به دلیل تحلیل نشدن شبکه اجتماعی در مطالعات مهاجرت، چگونگی تشکیل و ساختار این شبکه‌ها، چگونگی تکامل آن‌ها در طول زمان، منابعی که از طریق چنین شبکه‌هایی مبادله می‌شوند و اینکه چگونه در ساختارهای بزرگ‌تر جاسازی می‌شوند، نسبتاً ناشناخته باقی مانده است (بیلسن و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

این پژوهش با رویکرد کیفی، از طریق مشاهده و مصاحبه عمیق ضمن شناخت جامعه دانشجویان مهاجر افغانستانی، شبکه‌های اجتماعی آن‌ها، کارکرد و منابع رویدل شده در شبکه‌های اجتماعی مهاجران را بررسی کرده است. به عبارتی تحلیل کیفی شبکه‌های اجتماعی^۵ این امکان را فراهم می‌کند تا به عمق معنای روابط پی ببریم و با تجسم شبکه‌های رسمی و غیررسمی در موقعیت‌های متنوع روزمره زندگی، پایداری شبکه و معنایی را که افراد به روابط و تعاملاتشان می‌دهند درک کنیم (آرنس^۶، ۲۰۱۸). در تحلیل کیفی شبکه‌های اجتماعی، همان تکنیک‌های رویکرد کیفی دنبال می‌شود. مشاهده، مصاحبه، تحلیل اسناد، مکالمات و مشاهده مشارکت‌کنندگان از این موارد است. در روش کیفی تفسیری، پژوهشگر به دنبال تجربه مهاجرت از دیدگاه مهاجران است و با ابزارهای کیفی تحلیل شبکه، با توصیف آنچه در یک شبکه می‌گذرد، به محتوای پیوندها و فهم شبکه از درون می‌پردازد.

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ۲۹ دانشجوی مهاجر افغانستانی مشغول تحصیل در دانشگاه‌های ایران هستند. با توجه به اهداف پژوهش، از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده شد و تلاش کردیم تا تنوع (از نظر سن، جنس، قومیت، تحصیلات و اقامت) در گروه نمونه لحاظ شود. حجم نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ تا جایی که دیگر داده‌های جدید کمکی به پیدا کردن مضامین و مفاهیم تازه نکردند و اطلاعات موجود تکراری شدند. مصاحبه‌ها اغلب با قرار قبلی با دانشجویان در کافه، فضای دانشگاه و تعدادی نیز در فضای عمومی انجام پذیرفت. ابتدا موضوع پژوهش و شرایط تحقیق به‌طور کامل برای مشارکت‌کنندگان تشریح شد. در این زمینه به هر سؤالی که مشارکت‌کنندگان در مورد موضوع پژوهش و حتی خود محقق داشتند پاسخ داده شد و تلاش

1. Majerski
 2. Lauer and Yan
 3. Putnam
 4. Bilecen et al.
 5. Qualitative Social Network Analysis (QSNA)
 6. Ahrens

بر این بود که تا حد امکان نگرانی آن‌ها کم و فضای اعتماد در مصاحبه حکم‌فرما شود. صدای مشارکت‌کنندگان با کسب اجازه از آنان، به‌منظور مکتوب‌کردن اطلاعات ضبط شد. مدت مصاحبه‌ها متغیر بود، اما به‌طور کلی از حدود ۳۰ دقیقه و در برخی موارد تا حدود دو ساعت و نیم به طول انجامید. درنهایت پس از مکتوب‌کردن گفتگوهای ضبط‌شده، به‌منظور حفظ مسائل اخلاقی و حریم شخصی و اطلاعات مشارکت‌کنندگان، تمام فایل‌های مصاحبه پاک شدند و نام برخی پاسخ‌دهندگان به اسامی مستعار تغییر یافت. همچنین به‌منظور افزایش اعتبار پژوهش، چند متخصص که در کار کیفی تجربه داشتند، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی، استخراج مقوله‌ها و برداشتهای محقق نظارت کردند.

در تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل شبکه‌ی مضامین^۱ استفاده شد. شبکه‌ی مضامین توسط آتراید-استیرلینگ^۲ (۲۰۰۱) معرفی شده است. فرایند تحلیل شبکه‌ی مضامین سه مرحله‌ی کلی و اساسی دارد: ۱. تقلیل یا تجزیه‌ی متن، ۲. اکتشاف متن، و ۳. ادغام اکتشاف. پس از ساختن مضامین و سازمان‌دهی کدها در مضامین سطوح مختلف، همه‌ی مضمون‌ها در نقشه‌ای تارنما که مضامین برجسته هر سطح و روابط بین آن‌ها را نشان می‌دهد، در قالب شبکه‌ی مضامین ارائه می‌شود (آتراید-استیرلینگ^۳، ۲۰۰۱؛ ایمان و همکاران، ۱۴۰۲). ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

نام	سن	محل تولد	قومیت	مقطع تحصیلی	مدت اقامت
محمد	۳۳	افغانستان	هزاره/سادات	دکتری	۴ سال
نجیبه	۳۴	ایران	هزاره	دکتری	۲۸ سال*
اکرام‌الله	۲۶	افغانستان	اوزبیک	دکتری	۴ سال
دوست‌محمد	۲۶	افغانستان	تاجیک	ارشد	۲ سال
بتول	۴۷	افغانستان	هزاره	دکتری	۲۸ سال*
کبری	۳۲	ایران	هزاره	ارشد	۳۰ سال*
محمد انور	۴۲	افغانستان	هزاره	دکتری	۴۱ سال
شکیب	۲۸	افغانستان	تاجیک	ارشد	۱ سال
ناصر	۲۸	افغانستان	تاجیک	ارشد	۷ سال
ثریا	۲۲	ایران	تاجیک	کارشناسی	۲۲ سال
محمد رضا	۲۳	ایران	تاجیک	کارشناسی	۵ سال*
غفور	۲۳	افغانستان	تاجیک	کارشناسی	۲ سال
صدیق‌الله	۲۵	افغانستان	تاجیک	ارشد	۷ سال
راز محمد	۲۶	افغانستان	اوزبیک	ارشد	۳ سال
مجتبی	۲۲	ایران	هزاره	کارشناسی	۲۲ سال
سخی محمد	۲۷	افغانستان	اوزبیک	دکتری	۵ سال
مجیب‌الله	۳۳	افغانستان	تاجیک	ارشد	۲ سال

1. Thematic network analysis
2. Attride-Stirling
3. Attride-Stirling

نام	سن	محل تولد	قومیت	مقطع تحصیلی	مدت اقامت
مریم	۲۰	افغانستان	پشتون	کارشناسی	۱ سال
عذرا	۲۳	ایران	هزاره	کارشناسی	۲۳ سال
معصومه	۲۱	ایران	هزاره	کارشناسی	۲۱ سال
برکت‌الله	۲۲	افغانستان	تاجیک	کارشناسی	۲ سال
محب‌الله	۳۱	افغانستان	تاجیک	ارشد	۱ سال
ثاقب	۲۹	افغانستان	تاجیک	ارشد	۱ سال
مهدی	۲۹	ایران	هزاره	ارشد	۱۰ سال*
روح‌الله	۳۶	افغانستان	تاجیک	دکتری	۴ سال
فاطمه	۴۳	افغانستان	هزاره	دکتری	۳۵ سال*
عبیدالله	۳۵	افغانستان	تاجیک	ارشد	۱۲ سال*
عصمت	۲۹	افغانستان	هزاره	دکتری	۱ سال
رضا	۲۶	افغانستان	هزاره	ارشد	۲۶ سال

* مهاجران چرخشی، یعنی گروهی که در رفت‌وآمد بین ایران و افغانستان هستند یا مدتی را در افغانستان بوده‌اند و به ایران بازگشته‌اند.

۴. یافته‌ها

در بین دانشجویان مهاجر افغانستانی در این مطالعه سه گروه قابل تفکیک است: گروه اول کسانی که از افغانستان در مقاطع مختلف تحصیلی به ایران آمده‌اند. این گروه در کشور خود در فعالیتهای مدنی و اجتماعی به‌طور جدی فعال بودند و به‌منظور افزایش تخصص، بهره‌مندی از استادان مجرب، دانشگاه‌های مطرح و دسترسی به امکانات بیشتر و بهتر تصمیم به مهاجرت گرفتند. هم‌زمانی و آشنایی با زبان فارسی، همجواری با افغانستان و سهولت در پذیرش دانشگاهی از عواملی بود که ایران را یکی از مقاصد جدی برای ادامه تحصیل این گروه از دانشجویان مهاجر افغانستانی کرد.

گروه دیگر کسانی بودند که بنا بر شرایط پیش‌آمده در افغانستان (قدرت‌گیری طالبان)، به‌دلیل فعالیتهای خودشان یا اعضای نزدیک خانواده‌شان تحت پیگرد بودند و به‌منظور حفظ جان و تأمین امنیت از طریق ویزای دانشجویی به ایران آمدند تا بتوانند مدتی از آشوب‌های داخلی دور بمانند. این گروه عمدتاً به بازپس‌گیری قدرت از طالبان امیدوارند و سودای بازگشت به کشور خود یا مهاجرت به کشوری ثالث را در سر می‌پروراندند.

گروه سوم کسانی که در ایران متولد شده‌اند یا در کودکی و نوجوانی همراه با اعضای خانواده به ایران آمده‌اند. این گروه هرچند دانشجوی مهاجر افغانستانی شناخته می‌شوند، به‌دلیل جامعه‌پذیری در ایران، از لحاظ سازگاری فرهنگی، نوع گویش و زبان، نوع پوشش و حتی برخی عقاید و آداب‌ورسوم، بسیار به جامعه ایرانی شباهت دارند.

جدول ۲. مهم ترین مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها

شبکه‌های نهایی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
شبکه‌های اولیه	شبکه‌های اقامتی و تحصیلی	تحصیل راهی برای مهاجرت و بقا
		اقامت به واسطهٔ تحصیل
	شبکه‌های اطلاعاتی	اخذ پذیرش و اقامت با ویزای تحصیلی
		شکل‌گیری حمایت، ارائهٔ خدمات و اطلاعات به سایر دانشجویان
شبکه‌های ثانویه	شبکه‌های حمایتی	معرفی مراکز و فرصت‌های شغلی
		حمایت‌های عاطفی، مادی-معنوی، اطلاعاتی
		کمک‌های مادی-معنوی به سایر مهاجران
		هویت‌شناسی و آشنایی با تاریخ و فرهنگ افغانستان
	شبکه‌های فرهنگی-اجتماعی-آموزشی	فعالیت‌های علمی-فرهنگی
		فعالیت‌های آموزشی-اجتماعی
		پیوند و همکاری با سازمان‌های دولتی و غیردولتی ایرانی
	شبکه‌های سیاسی	ارائهٔ خدمات هنری-ورزشی
		فعالیت‌های مبارزاتی
	شبکه‌های فراملیتی	تلاش برای عمران و آبادی افغانستان
		علاقه به بازگشت به افغانستان
		ارسال کمک‌های مالی و معنوی به افغانستان
ارتباطات و تعاملات		

۴-۱. شکل‌گیری شبکه‌های اولیهٔ دانشجویان مهاجر

شبکه‌های اولیه به‌عنوان کانالی برای مهاجرت استفاده می‌شوند و به دانشجویان مهاجر در دسترسی به اطلاعات، حمایت‌های روانی و عاطفی بسیار کمک می‌کنند. برخی از مهاجران از پیوندهای موجود در این شبکه‌ها به‌عنوان راهبرد برای فرار از جنگ و ناامنی، بی‌ثباتی اقتصادی و شغلی و نداشتن شرایط تحصیل در افغانستان استفاده می‌کنند و به کمک این شبکه‌ها و پیوندها از دانشگاه پذیرش می‌گیرند و از شرایط زیست و اشتغال در مقصد آگاه می‌شوند. در این شرایط، سرمایهٔ اجتماعی دانشجویان مهاجر شامل اطلاعات دریافتی درمورد مقصد، شرایط گرفتن پذیرش از دانشگاه‌ها، شرایط زندگی، زیست و سازگاری در مقصد است. در این شبکه‌ها مجموعه‌ای از پیوندهای قوی و ضعیف به چشم می‌خورد و طیف وسیعی از اطلاعات و حمایت‌های مختلف عاطفی، روانی، اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد.

۱-۱-۴. اقامت به‌واسطهٔ تحصیل: مصاحبه‌شوندگان همه اذعان کردند با وجود سختی‌ها و مشکلات در زمینهٔ خدمات و امکانات رفاهی در افغانستان، فضای سیاسی و فکری آزادانه‌تر بود و برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف به شکل‌گیری مسیر پیشرفت، توسعه، عمران و آبادی منجر شده بود. علاوه‌براین، جوانان رغبت بیشتری به فراگیری علم و دانش پیدا کرده بودند و انگیزهٔ آن‌ها برای تغییر و تحول در کشور مضاعف شده بود. اما پس از روی کارآمدن طالبان، نظم سیاسی موجود، شکل و نوع مهاجرت‌ها دوباره تغییر کرد. این بار علاوه بر گروه‌هایی که به دلیل شرایط اقتصادی، فقر و بیکاری مهاجرت می‌کردند، گروه جدیدی به مهاجران اضافه شدند. این گروه جدید مهاجر عموماً افراد تحصیل کرده یا متعلق به طبقات اجتماعی-اقتصادی بالا بودند. برخی از آن‌ها برای حفظ جان خود و فرار از شرایط ناامن کشورشان ناگزیر از اخذ ویزای تحصیلی و ادامهٔ تحصیل در ایران شدند. گروهی نیز که تا قبل از

حضور طالبان، از طریق بورسیه‌های دولتی و دانشگاهی، مشغول به تحصیل در ایران بودند، به امید بازگشت و اشتغال در بخش‌های مورد نیاز با انگیزه درس می‌خواندند. درحالی‌که با قدرت‌گیری طالبان، شرایط افغانستان تغییر کرد و بسیاری از مراکز آموزشی و تحصیلی تعطیل شد.

سخی محمد پس از اینکه دوره ارشد را در دانشگاه تهران در سال ۱۴۰۰ به پایان رسانده بود، در وزارت اقتصاد افغانستان کار پیدا کرد و قرار بود برای کار به افغانستان برگردد، اما با تغییر شرایط و روی کارآمدن طالبان، بازگشت او منتفی شد و دوباره برای مقطع دکتری در دانشگاه تهران پذیرش گرفت تا بتواند مدت بیشتری در ایران بماند. عصمت دانشجوی دوره دکتری در ایران نیز از دانشجویانی بود که به‌منظور حفظ جان خود با روی کارآمدن طالبان ناگزیر از مهاجرت به ایران شده بود. او می‌گوید: «بعد از حضور طالبان ترسیدم به‌خاطر همکاری با دولت و نوشتن در روزنامه‌ها و مقالات علیه طالبان، مرا دستگیر کنند. به همین دلیل بعد از سقوط دولت، با توجه به اینکه ویزای دانشجویی برای دوره دکتری در ایران داشتم، آنجا را ترک کردم.»

با قدرت‌گیری طالبان، حضور افراد و گروه‌های خاصی (از جمله زنان، مجردها و قومیت و مذاهب خاص) با محدودیت مواجه شد. مریم که دانشجوی مقطع کارشناسی در ایران است در این زمینه می‌گوید: «وقتی افغانستان به دست طالبان افتاد، من سه ماه از خانه بیرون نیامدم. من در استان خودمان (فاریاب) جزو پنج نفر اول بودم و می‌توانستم پزشکی بخونم. خانواده‌ام مرا برای تحصیل به ایران فرستادند تا مدتی از آنجا دور باشم.»

۲-۱-۴. اخذ پذیرش از دانشگاه: دانشجویانی که تمایل به تحصیل در ایران دارند، به چند شیوه می‌توانند برای گرفتن پذیرش از دانشگاه اقدام کنند. یک گروه از طریق مؤسساتی که در افغانستان وجود دارد، اقدام به پذیرش می‌کنند. در این شیوه مؤسسه مذکور مدارک متقاضی را براساس شرایط دانشجو و ضوابط دانشگاه‌های ایران، به چند دانشگاه ارسال می‌کند و درنهایت در یک رشته برای فرد پذیرش می‌گیرد و او را راهی ایران می‌کند. گروه دوم به‌صورت فردی اقدام به ارسال مدارک و اخذ پذیرش می‌کنند. این گروه نیز عمدتاً از طریق آشنایی قبلی با ایران به‌واسطه حضور قبلی خودشان در کشور یا حضور خویشاوندان و دوستانشان در ایران، یا با عضویت در شبکه‌های مجازی و مطالعه شرایط پذیرش، رشته و دانشگاهی را برای ادامه تحصیل برمی‌گزینند. دسته سوم کسانی هستند که از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، مدارک را برای فرد مهاجری در ایران می‌فرستند و با کمک و راهنمایی او، اقدام به اخذ پذیرش می‌کنند. گروهی نیز که ساکن یا متولد ایران هستند از طریق شرکت در کنکور ایران یا پذیرش بورسیه‌ای دانشجویان مهاجر، در دانشگاه مشغول به تحصیل می‌شوند.

به این ترتیب شبکه‌های اجتماعی مجازی و آنلاین مهاجران و دانشجویان را با هم آشنا و به یکدیگر مرتبط می‌کند و بخش زیادی از اطلاعات مقصد از جمله شرایط پذیرش در دانشگاه‌ها، اقامت و خوابگاه را به دانشجویان می‌دهد. این امر به‌خصوص برای دانشجویان تازه‌وارد از افغانستان حائز اهمیت است.

تعدادی از دانشجویانی که در ایران مشغول تحصیل‌اند، به‌دلیل آشنایی بیشتر با شرایط پذیرش و محیط دانشگاه، از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی به اخذ پذیرش از دانشگاه‌های ایران برای افغانستانی‌ها می‌پردازند. این موضوع علاوه بر اینکه نوعی شغل برایشان به‌حساب می‌آید، موجب می‌شود مهاجران با هم‌نوعان خودشان در ارتباط باشند، بهتر اعتماد می‌کنند و از شرایط مقصد نیز آگاه می‌شوند.

رضا که از دانشجویان دانشگاه تهران است، توانسته برای تعداد زیادی از دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌ها پذیرش بگیرد. او از طریق صفحه شخصی وبلاگ و فضای مجازی و همین‌طور فعالیت در مجمع دانشجویان افغانستانی، برای خیلی‌ها پذیرش گرفته است.

۳-۱-۴. ارائه اطلاعات و حمایت‌های اولیه از دانشجویان: پس از اخذ پذیرش از دانشگاه و ورود دانشجوی مهاجر، مرحله بعدی حمایت‌ها آغاز می‌شود. دانشجویان که به محیط جدیدی سفر کرده‌اند، نیاز به اطلاعات درمورد مسائل گوناگون دارند. این موضوع از ضوابط و قوانین دانشگاه تا اطلاعات مربوط به شهر و قوانین، اقامت، حمل‌ونقل، خرید، برقراری ارتباط با سایرین و آشنایی با فضای دانشگاه و خوابگاه را دربرمی‌گیرد. معمولاً دانشجویان مهاجر قدیمی‌تر و دانشجویان مهاجر نسل دوم و سوم که سال‌ها است در ایران زندگی می‌کنند و شرایط زندگی، قوانین و چالش‌ها را می‌دانند، سعی می‌کنند به تازه‌واردان کمک کنند. این بخش از حمایت‌ها معمولاً از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی مجازی و حضوری به‌صورت خدمات پراکنده به همه دانشجویان با قومیت‌های مختلف انجام می‌شود.

اکرام‌الله دانشجوی دوره دکتری نیز به همراه تعدادی از دوستانش در این زمینه فعال است. آن‌ها نیز علاوه بر دادن مشاوره و گرفتن پذیرش و ویزای تحصیلی برای دانشجویان در گروه‌های تلگرامی و فیس‌بوک، پس از مهاجرت نیز دانشجویان را حمایت می‌کنند. او می‌گوید: «بعد از اینکه دانشجویان به ایران آمدند، در گروه تلگرام عضو می‌شوند و راجع به اینجا و شرایط رفت‌وآمد و فرهنگ و ... بهشون اطلاعات میدیم و در گروه تبادل اطلاعات انجام می‌شه. اگر برای کسی مشکلی پیش بیاد نیز همه بچه‌ها در حد توانشون کمک می‌کنند و مشکل فرد را حل می‌کنند.

۲-۴. شکل‌گیری شبکه‌های ثانویه

دانشجویان تازه‌وارد پس از جاگیری و آشنایی نسبی با فضای دانشگاه و مقصد، پیوندهای متعددی با دانشجویان دیگر، آشنایان و هم‌استانی‌های خودشان و حتی ایرانیان برقرار می‌کنند. حضور در این شبکه‌ها اطلاعات ارزشمندی درمورد شغل و راهکارهایی برای کاهش هزینه‌های زندگی برای زیست در شهر می‌دهد. برخی دانشجویان هزینه تحصیل خود را از خانواده در ایران دریافت می‌کنند و برای گروهی نیز بخشی از این هزینه از طرف خانواده و اقوامشان از افغانستان به ایران ارسال می‌شود. تعداد این دانشجویان انگشت‌شمار است و مابقی (هم دختران و هم پسران) ناچارند در کنار تحصیل، شغلی داشته باشند و بخشی از هزینه تحصیل خود را تأمین کنند. آن‌ها در طول سال تحصیلی یا در تابستان که کلاس ندارند، به مشاغل سخت و سطح پایین روی می‌آورند. هرچند گروهی دیگر نیز براساس سطح سواد و مهارت به مشاغل نظیر ویراستاری، نویسندگی یا کار با شبکه‌های اجتماعی و تأمین درآمد می‌پردازند.

بنابراین می‌توان شبکه‌های ثانویه را چنین تعریف کرد که پس از اینکه دانشجویان مهاجر به سازگاری و آشنایی اولیه با شرایط مقصد و فضای دانشگاه دست یافتند و نیازهای ابتدایی آن‌ها رفع شد، تلاش می‌کنند به پیوندها و شبکه‌هایی دست یابند که سایر نیازهای آن‌ها را پاسخگو باشد و شرایط مطلوب‌تری از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و سایر آرمان‌های مورد نظرشان برای آن‌ها فراهم آورد. آن‌ها به دنبال خودشکوفایی در سایر ابعاد زندگی اجتماعی، پیوندهای گوناگونی برقرار می‌کنند. در شبکه‌های ثانویه، دانشجویان علاوه بر پیوند با دوستان خود براساس هم‌ملیت، هم‌استانی، هم‌قوم و هم‌مذهب بودن با سایرین نیز پیوندها و تعاملاتی را برقرار می‌کنند. براین‌اساس برخی از این شبکه‌ها و پیوندها درون‌گروهی یعنی با اعضای افغانستانی (هم‌محله‌ای، هم‌شهری، هم‌استانی، هم‌قوم و هم‌مذهب) و برخی از شبکه‌ها و پیوندها برون‌گروهی (پیوندهایی با ایرانیان یا سایرین) است و نوعی ادغام با جامعه میزبان را نشان می‌دهد.

۱-۲-۴. معرفی مراکز شغلی به سایرین و خوداشتغالی: ارائه اطلاعات در حوزه‌های مختلف و معرفی فرصت‌ها و مراکز شغلی به سایر دانشجویان یکی از کارکردهای شبکه‌های حمایتی است. در این زمینه شکیب دانشجوی کارشناسی ارشد و محمد دانشجوی دکتری می‌گویند: «معمولاً به دانشجویانی که دنبال شغل هستند مراکزی را معرفی می‌کنیم. الان بیشتر دانشجویان افغانستانی را در خوابگاه به شرکت میهن برای کار فرستادیم. خودمان هم مدتی است در آنجا مشغول به کار هستیم. ما می‌توانیم از این طریق بخشی از هزینه‌های تحصیلمان را تأمین کنیم.» شکیب در خوابگاه به‌واسطه پیوندها و تعاملاتی که برقرار کرد توانست به‌صورت پاره‌وقت در شرکت خدمات‌رسانی یکی از دوستانش نیز کار کند.

در این میان دانشجویانی که سال‌های زیادی از اقامتشان در ایران می‌گذرد، نظیر نسل دوم و سوم مهاجران یا دانشجویانی که در چند مقطع در اینجا تحصیل کردند، خودشان به ایجاد اشتغال و کارآفرینی می‌پردازند و حتی گاهی سایر مهاجران را به کار دعوت می‌کنند. گروه اخیر که تجربه حضور بیشتری در ایران دارند، چالش‌ها و مسائل مهاجران را می‌شناسند و گروه‌ها و شبکه‌هایی را به‌منظور رفع مشکلات مهاجران و درآمدزایی برایشان ایجاد می‌کنند.

اکرام‌الله که در مقطع دکتری دانشجو است، به همراه یکی دیگر از دوستانش (راز محمد) یک شرکت خدماتی تأسیس کردند که از طریق اپلیکیشن آچاره فعالیت می‌کند. آن‌ها از طریق این شرکت خدماتی، دانشجویان افغانستانی و کسانی را که نیاز به کار پاره‌وقت دارند، برای خدمات به مکان‌های مختلف می‌فرستند.

۲-۲-۴. فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی دانشجویان: مهاجران افغانستانی به‌خصوص دانشجویان در سال‌های اخیر به‌شدت در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی فعالیت می‌کنند. این فعالیت‌ها از برگزاری جشنواره در جهت شناساندن فرهنگ افغانستانی، آداب‌ورسوم، همایش‌های علمی، اردوهای تفریحی تا حمایت‌های مادی و معنوی از سایر مهاجران را دربرمی‌گیرد. به‌طور کلی می‌توان فعالیت‌های دانشجویان مهاجر را به دو دسته تقسیم کرد.

یک دسته از فعالیت‌ها درون دانشگاهی با اهداف علمی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد، مانند برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، تهیه غذاهای سنتی افغانستان، معرفی آداب‌ورسوم، برگزاری مراسم شب یلدا، فعالیت‌های هنری، ورزشی و برنامه‌های علمی مانند مسابقات سازه‌های ماکارونی، رباتیک و دعوت از سخنرانان سیاسی، نمایندگان مجلس افغانستان، سفرا و دیپلمات‌ها و استادان دانشگاه. دسته دوم فعالیت‌های برون‌دانشگاهی، فراقومیته، فراملی-فرامرزی با اهداف متعدد اجتماعی، سیاسی، هنری، خدماتی، آموزشی و... است. در حالت دوم با گسترش فعالیت‌های انجمنی در دانشگاه و تداوم حضور دانشجویان فعال، بخشی از خدمات و حمایت‌ها در قالب شبکه‌های گوناگون آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، به بیرون دانشگاه کشیده می‌شود و فعالیت‌ها و خدمات به‌صورت منسجم به سایر گروه‌های مهاجر ارائه می‌شود.

۳-۲-۴. تشکلهای دانشجویی در دانشگاه: در حالت اول، دانشجویان از طریق تشکیل کانون‌ها و انجمن‌های مربوط به مهاجران افغانستانی و عضوگیری دانشجویان مهاجر، فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی خود را دنبال می‌کنند. آن‌ها با فعالیت در این انجمن‌ها، علاوه بر ابراز وجود، تلاش می‌کنند نگاه به مردم و فرهنگ افغانستانی را تغییر دهند و نوعی همدلی را در بین مهاجران نیز ایجاد کنند. علاوه بر این با تشکیل جلسات هفتگی در خوابگاه و بین خودشان به تحلیل مسائل، بحث و تبادل نظر و برنامه‌ریزی برای کمک به مهاجران می‌پردازند. تشکیل انجمن‌ها به‌طور رسمی در دوره‌های مختلف دولت ایران با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. در برخی دوره‌ها براساس سیاست‌های دولت، فضا بازتر و تعاملات گسترده‌تر بوده و در برخی دوره‌ها نیز بسیار محدود و امنیتی شده

است. محمدرضا دانشجوی مقطع کارشناسی می‌گوید: «در خوابگاه بین دانشجویان مهاجر افغانستانی گروه‌های کوهنوردی، فوتبال و تئاتر راه‌اندازی کردم که از طریق واتس‌آپ کارهایمان را هماهنگ می‌کنیم.»

یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انجمن‌ها در بین دانشجویان افغانستانی، مجمع فدا (فدراسیون دانشجویان افغانستانی) است. این مجمع فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای دارد و دانشجویان مهاجر افغانستانی در سراسر کشور عضو آن هستند. فعالیت‌های مجمع فدا از برگزاری اردوهای تفریحی برای دانشجویان تا برگزاری همایش، فعالیت‌های فرهنگی و علمی، صنفی و دانشجویی، برگزاری کلاس‌های تاریخ افغانستان، مراسم سوگواری محرم، کمک برای تأمین هزینه دانشجویان نیازمند و برگزاری انتخابات در بین دانشجویان برای به‌دست‌گرفتن قدرت و مشخص کردن اعضای اصلی است.

محمد انور دانشجوی دکتری در این زمینه می‌گوید: «علاوه بر دانشجویان دانشگاه تهران، در این مجمع، دانشجویان شهرهای دیگر هم عضو انجمن فدا بودند و یک بازی قدرت برای به‌دست‌گرفتن پست‌های مهم در مجمع وجود داشت؛ تا حدی که در زمان انتخابات اعضا، بچه‌ها با اتوبوس از مشهد، قزوین و... می‌آمدند. بیشتر اعضا و نمایندگان برای انتخابات هزاره بودند. هرچند از تاجیک، پشتون و قومیت‌های دیگر هم بودند، ولی تعدادشان انگشت‌شمار بود.»

۴-۲-۴. فعالیت تشکلهای دانشگاهی در بیرون دانشگاه: بخشی از فعالیت‌های انجمن‌ها با هسته اولیه دانشجویان

مهاجر، به ارائه خدمات به مهاجران افغانستانی در بیرون از دانشگاه اختصاص می‌یابد. بنیاد تبسم نمونه‌ای از این موارد است که در سال ۱۳۹۴ تأسیس شد و هسته اولیه آن ده دانشجو بودند. یکی از اهداف اصلی بنیاد، شناسایی خانواده‌های نیازمند مهاجر افغانستانی و ارائه خدمات فرهنگی و آموزشی برای کودکان مهاجر است. تهیه لوازم‌التحریر یا پرداخت شهریه دانش‌آموزان، تهیه بسته‌های ارزاق و مواد غذایی برای عید، تأمین پوشاک برای خانواده‌های نیازمند مهاجر، برگزاری کلاس‌های نقاشی، هویت‌شناسی و افغان‌شناسی برای کودکان مهاجر و کمک به تأسیس کتابخانه در مدارس خودگردان، از فعالیت‌های بنیاد است. تأمین بودجه بنیاد با اطلاع‌رسانی در شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام و وایبر صورت می‌گرفت و کمک‌های متعددی از مهاجران افغانستانی در ایران و سایر کشورها و حتی گاهی خود ایرانیان دریافت می‌شد. این بنیاد تلاش می‌کرد از پتانسیل جوانان تحصیل‌کرده مهاجر استفاده کند و با شناسایی و درخواست کمک از آن‌ها، به خانواده‌های نیازمند مهاجر افغانستانی در ایران خدماتی ارائه می‌داد. محمد انور اشاره می‌کند که برنامه غربالگری سلامت رایگان برای دانش‌آموزان یکی از فعالیت‌های ما بود. دانشجویان پزشکی، پرستاری و مامایی مهاجر به‌صورت داوطلبانه عضو انجمن می‌شدند. چک‌آپ قد، وزن، چشم و دندان‌های دانش‌آموزان از موارد پیگیری. بیشتر این کمک‌ها در منطقه ورامین، پاکدشت و قیامدشت بود.

شکیب دانشجوی مقطع ارشد دانشگاه خوارزمی نیز با گروهی از دانشجویان «اتحادیه دانشجویان فاریاب» را شکل دادند. در این گروه همه اتباع مهاجر دانشجو از استان فاریاب که غالباً اوزبیک هستند، عضوند. این اتحادیه فعالیت‌های متنوعی دارد، از کمک به دانشجویان فاریاب در ایران تا نیازمندان مهاجر، حمایت‌های مالی و اطلاعاتی، گرفتن ویزای دانشجویی، اقامت، راهنمایی برای استفاده از خدمات و امکانات در ایران نظیر مترو و اتوبوس، تلفن، سفرهای بین‌شهری، اشتغال، کمک‌های پزشکی، درمانی و دارویی و... را دربرمی‌گیرد. علاوه بر این با افغانستان هم در ارتباط‌اند و گروهی را در آنجا دارند که به شناسایی افراد نیازمند می‌پردازند و از طریق اعضا و بنیادهای خیریه برایشان پول می‌فرستند.

به‌طور کلی شکل‌گیری انجمن‌ها و تشکلهای در فضای دانشگاه با آنچه در بیرون دانشگاه توسط مهاجران شکل می‌گیرد، متفاوت است. در فضای دانشگاه، دانشجویان مهاجر در تلاش برای کسب قدرت هستند. هرچند این موضوع را آشکارا نشان نمی‌دهند، اما

همچنان تعصبات قومیتی و نگاه‌های مذهبی به همراه پیشینه قومیتی به شدت در روابط و تعاملات اعضا مؤثر است؛ تا جایی که در انجمن فدا، این قدرت بیشتر در دست دانشجویان هزاره‌ای بود و در بنیاد تبسم نیز که بعدها از هسته‌های اولیه همان انجمن شکل گرفت، بیشتر خدمات به هزاره‌ای‌ها ارائه می‌شد. هرچند خود اعضا اذعان داشتند که به قومیت‌های دیگر هم کمک می‌کنند، تعداد آن‌ها انگشت‌شمار بود؛ درحالی‌که در اتحادیه دانشجویان فاریاب، همه اعضا از استان فاریاب افغانستان، از قومیت اوزبیک و سنی بودند و تمام تلاششان این بود که همه دانشجویان اهل فاریاب را که به ایران برای ادامه تحصیل می‌آمدند، تحت پوشش و حمایت قرار دهند و در گروهشان عضو کنند و در گام بعد به سایر مهاجران نیازمند فاریاب خدمات‌رسانی می‌کردند.

بخش زیادی از دانشجویان و تحصیل‌کردگانی هم که سال‌ها است در ایران زندگی می‌کنند و نسل دوم و سوم مهاجران را شامل می‌شوند، در تلاش برای ارائه خدمات متنوع به هموطنان مهاجرشان در ایران هستند تا بتوانند تا حدی از مشکلات، آسیب‌ها و مسائل ناشی از مهاجرت برای آنان بکاهند. این گروه با تعصبات کمتر، سعی دارند به قومیت‌های گوناگون افغانستانی اعم از شیعه و سنی خدماتی را ارائه دهند.

۵-۲-۴. فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی: در بین دانشجویان و تحصیل‌کردگان مهاجر، فعالیت‌های سیاسی در جهت اهداف و آرمانشان نیز به چشم می‌خورد. محمد انور دانشجوی دکتری هزاره به برگزاری سمینارهایی در جهت آگاهی‌بخشی و حفظ یاد و میراث عبدالعلی مزاری اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما سمینارهایی علمی برای رهبرمان آقای عبدالعلی مزاری که در سال ۱۳۷۳ در افغانستان به دست طالبان شهید شد و هزاره‌ای بود، در خارج از دانشگاه برگزار می‌کردیم».

بخشی از فعالیت‌های مبارزاتی دانشجویان از طریق تعامل در فضای مجازی و ارتباط آنلاین با اعضای مهم و اثرگذار سیاسی و نظامی افغانستان صورت می‌گیرد. در این زمینه رازمحمد به ارتباط با فعالان سیاسی و نظامی اشاره می‌کند و می‌گوید: «خیلی از آن‌ها به کشورهای دیگر از جمله اروپا و آمریکا رفتند و تعدادی هنوز در افغانستان‌اند. با هم گاهی جلساتی می‌گذاریم و تبادل نظر می‌کنیم». مبارزه با گروه طالبان بیشتر از سوی روشنفکران و تحصیل‌کردگان در ایران صورت می‌گیرد؛ از جلسات حضوری و آنلاین، تا مصاحبه و نوشتن در رسانه‌ها و جمع‌آوری پول برای ارسال کمک به افغانستان. آن‌ها بسیار امیدوارند که بتوانند دوباره طالبان را از کشور بیرون کنند و افغانستان در مسیر درست قرار بگیرد. ثاقب نیز به فعالیت‌های مجازی اشاره دارد و می‌گوید: «ما علیه طالبان فعالاً در فضای مجازی فعالیت می‌کنیم؛ مثلاً هشتگی در فیس‌بوک و فضای مجازی راه‌اندازی کردیم که دروازه‌های دانشگاه و مدارس را به روی دختران بستند و ما بدون خواهرانمان به دانشگاه نمی‌رویم. همچنین از طریق استادان دانشگاه و دانشجویان در همه رشته‌ها اطلاع‌رسانی کردیم که کارگاهی برای دخترانمان راه‌اندازی کنیم و کسانی که در افغانستان به دانشگاه نمی‌روند، برایشان کلاس مجازی و آنلاین رایگان برگزار کنیم تا از محیط دور نباشند».

۶-۲-۴. پیوند و همکاری با سازمان‌های دولتی و غیردولتی ایرانی: برخی از دانشجویان نیز در انجمن‌هایی عضوند که در حوزه کمک و حمایت از مهاجران فعال‌اند. آن‌ها گاهی از مهارت‌آموزی و کلاس‌های رایگان این مجموعه‌ها استفاده می‌کنند و گاهی خودشان در کنار آن‌ها به سایر نیازمندان مهاجر کمک می‌کنند. در این حوزه معمولاً مهاجران قدیمی‌تر و تحصیل‌کرده فعال‌اند. گروهی از دانشجویان نیز با همکاری با برخی سازمان‌های دولتی و بین‌المللی در آموزش مهاجران و توانمندسازی کودکان و زنان نقش فعالی دارند. ضمن اینکه در این تعاملات، پیوندهای قوی و ضعیف متعددی بین ایرانیان و مهاجران شکل می‌گیرد و زمینه‌های مختلف همکاری فراهم می‌شود. اکرام‌الله، دانشجوی دکتری، به همراه تعدادی از دانشجویان (شکیب، رازمحمد و ثریا)، روزهای جمعه با اداره اتباع شهری به صورت داوطلبانه همکاری می‌کند و به دانش‌آموزان مهاجری که تازه وارد ایران شده‌اند یا به دلیل شرایط مالی

و اجتماعی قادر به تأمین هزینه آموزش خود نیستند، آموزش می‌دهد. همچنین در توزیع کمک‌های سازمان‌ها و خیریه‌ها به این خانواده‌ها کمک می‌کند.

۷-۲-۴. تعاملات فراملیتی: فراملی‌گرایی یک مفهوم نظری مهم است که از طریق آن می‌توان پیوندهایی را که مهاجران با کشورهای خود حفظ می‌کنند، درک کرد. هرچند همه مهاجران ممکن است درگیر فراملی‌گرایی نشوند. اوفلاهرتی^۱ (۲۰۰۷: ۸۱۹) اشاره می‌کند که مهاجران اغلب در موقعیتی هستند که بسیاری از مهم‌ترین روابط عاطفی آن‌ها در سطح بین‌المللی انجام می‌شود. بخشی از این روابط در مورد دانشجویان مهاجر به ارتباطات آنلاین با خانواده، خویشاوندان و دوستان در افغانستان و سایر کشورها مربوط می‌شود. بخشی از پیوندها نیز به ارتباطات دانشجویان از طریق فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های مجازی با سایر مهاجران مربوط است که اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌های شغلی فراملی، شرایط زندگی و کاری مهاجران و فرصت‌های تحصیلی به آن‌ها می‌دهد و زمینه مهاجرت دوباره را برای آن‌ها فراهم می‌سازد.

۸-۲-۴. علاقه به بازگشت و تلاش برای آبادسازی و عمران افغانستان: بازگشت، جزوی از فرایند مهاجرت است که می‌تواند دائمی یا موقتی اتفاق بیفتد و مهاجران بازگشتی با سرمایه‌های مالی، فنی و بهره‌مندی از دانش‌های نوین می‌توانند فرایند توسعه زادگاهی را سرعت بخشند (سعیدی، ۱۴۰۱). مهاجران بازگشتی بیشتر تحصیل‌کردگانی هستند که پس از گذراندن دوره تحصیل یا کسب مهارت، تمایل دارند برای خدمت به افغانستان بازگردند و سودای آبادی و توسعه میهن را در سر دارند. از یک سو شرایط دشوار ورود به بازار کار رسمی برای تحصیل‌کردگان افغانستانی و ادغام‌نشدن مناسب در جامعه ایران و از سوی دیگر احساس تعلق به سرزمین مادری و تلاش برای عمران و آبادی افغانستان و خدمت به مردم در جهت توسعه و بازسازی کشور، بسیاری از دانشجویان و تحصیل‌کردگان را بر آن داشته تا با انگیزه بیشتری به فکر بازگشت باشند. ضمن اینکه نیاز به فضایی به‌عنوان خانه/وطن/سرزمین و جایی که به‌عنوان دیگری و بیگانه شناخته نشوند و بتوانند آرام گیرند، سبب شده سودای بازگشت به وطن همیشه در فکر مهاجر باقی بماند.

روح‌الله نیز که در افغانستان استاد دانشگاه بوده و الان دانشجوی دوره دکتری در ایران است، می‌گوید: «حتماً و قطعاً به افغانستان برمی‌گردم. من امکان مهاجرت به آمریکا را هم داشتم، ولی نرفتم. ما می‌خواهیم کشور را بسازیم. قصد طالبان و بقیه این است که کشور را از نخبگان خالی کنند. مردم پشتوانه‌ای ندارند. من هر جا بروم به وطنم خیانت کرده‌ام.»

۵. بحث و نتیجه‌گیری

دانشجویان مهاجر با قرارگرفتن در شبکه‌های اولیه و ثانویه دانشجویی، بخش عمده‌ای از نیازهایشان رفع می‌شود و شرایط سازگاری و انطباقشان با مقصد بیشتر فراهم می‌شود. هسته اولیه شکل‌گیری شبکه‌های دانشجویی از طریق شبکه‌های مجازی و تبادل اطلاعات بین دانشجویان صورت می‌گیرد و پس از آن شکل‌گیری شبکه‌ها یا تداوم شبکه‌های اولیه دانشجویی در خوابگاه و دانشگاه محل تحصیل است. روابط در بین اعضای شبکه‌های دانشجویی عمدتاً به شکل پیوندهای قوی دیده می‌شود، اما با گسترده‌تر شدن شبکه و پیوستن دانشجویان از شهرها و دانشگاه‌های مختلف، به تدریج پیوندهای ضعیف را هم دربرمی‌گیرد.

در مراحل اولیه مهاجرت، بخش زیادی از اطلاعات ارزشمند از طریق شبکه‌های مجازی و آنلاین ردوبدل می‌شود. ترکیب این شبکه‌ها (اقامتی-تحصیلی و اطلاعاتی) از دانشجویان تازه‌وارد، کسانی که تصمیم به مهاجرت دارند و دانشجویان قدیمی‌تر تشکیل

شده و پیوندهای قوی و ضعیف متعددی (از افراد آشنا و خویشاوند در یک منطقه یا استان در شبکه تا دانشجویان هموطن) را دربرمی‌گیرد. گره‌ها و پیوندهای اصلی در این شبکه‌ها دانشجویان با سابقه سکونت و تحصیل طولانی‌تر در ایران هستند که علاوه بر آشنایی با قوانین، شرایط پذیرش و هزینه‌های تحصیل و زندگی در ایران، نقش عمده‌ای در ارائه اطلاعات مهم مربوط به زیست و سازگاری در کشور به سایرین دارند.

نتایج این مطالعه هم‌راستا با پژوهش بیچ^۱ (۲۰۱۵) است که به نقش اثرگذار شبکه‌های اجتماعی دوستی و خویشاوندی در تحرک بین‌المللی دانشجویان در کشور مقصد اشاره می‌کند. همچنین همسو با پژوهش یونیونگ (۲۰۰۹) است که به برقراری ارتباط دانشجویان بین‌المللی سال اول با محیط دانشگاه از طریق شبکه‌های قومیتی خودشان اشاره می‌کند و اینکه این شبکه‌ها نقش مثبتی در سازگاری آن‌ها با محیط دانشگاه دارد.

براساس یافته‌های پژوهش، شبکه‌های ثانویه دانشجویان مهاجر افغانستانی از شبکه حمایتی، شبکه فرهنگی-اجتماعی-آموزشی، شبکه سیاسی و شبکه فراملیتی تشکیل شده است. در همه این شبکه‌ها مجموعه‌ای از پیوندهای قوی و ضعیف به چشم می‌خورد که تلفیقی از دانشجویان با سابقه و دانشجویان تازه‌وارد است، اما دانشجویان با سابقه‌تر و فعال‌تر نقش و گره اصلی در شبکه‌ها را ایفا می‌کنند. مهم‌ترین منابع در جریان میان پیوندها در شبکه حمایتی، منابع اطلاعاتی-شغلی، عاطفی-روانی و مالی و مادی است. در شبکه‌های حمایتی تعاملات و پیوندها عمدتاً درون‌گروهی و با اعضای افغانستانی است و ارائه خدمات و حمایت‌ها از سوی اعضای دانشجویان به هر دو گروه دانشجویان و مهاجران نیازمند در ایران تعلق می‌گیرد. نکته مهم در شبکه حمایتی این است که برخی شبکه‌های حمایتی با محوریت قومیت و به صورت درون‌گروهی شکل می‌گیرد. این شبکه‌ها دارای نوعی سلسله‌مراتب قدرت است، نظیر اتحادیه دانشجویان فاریاب. در این اجتماع کوچک، علاوه بر تبادل منابع ارزشمند، در چارچوب قواعد خودشان، به نیازهای دانشجویان مهاجر (اعم از تازه‌وارد و قدیمی) پاسخ داده می‌شود. به همین دلیل بسیاری از دانشجویان تازه‌وارد، از پیش از ورود با اتصال به شبکه‌های دانشجویی، قومیتی و دوستی، از بخش زیادی از نگرانی‌های اولیه برای مهاجرت و ورود به یک کشور جدید می‌کاهند و پس از ورود نیز با پیوستن به این شبکه‌ها و کانال‌های غیررسمی، پیوندهای اولیه‌ای در جهت کسب منابع و اطلاعات برقرار می‌کنند. به مرور با افزایش پیوندهای قوی و ضعیف و بالارفتن سرمایه اجتماعی مهاجران، دامنه شبکه‌ها نیز افزایش می‌یابد و بقا و سازگاری مهاجر تضمین می‌شود. به عبارتی میزان تحصیلات و مهارت‌های کاری، شغلی و زبانی و مدت اقامت مهاجران در تعیین پیوندها و شبکه‌های آن‌ها مؤثر است. سرمایه انسانی بالاتر، دسترسی به پیوندها و شبکه‌های اجتماعی بیشتری را میسر می‌کند و در این مسیر دانشجوی مهاجر می‌تواند به زیست بهتر و حتی شغل و درآمد بهتر دست یابد.

در شبکه سیاسی و فراملیتی نیز عمده پیوندها و گره‌ها درون‌گروهی و با اعضای هم‌وطن، هم‌قوم و هم‌مذهب است و منابع ارزشمند شامل آرمان‌های سیاسی-مبارزاتی و کمک‌های فکری، مادی و معنوی و سودای آبادسازی افغانستان و بازگشت به میهن است؛ درحالی‌که در شبکه فرهنگی-اجتماعی-آموزشی بیش از سایر شبکه‌ها شاهد ادغام و پیوند میان ایرانیان و دانشجویان مهاجر افغانستانی هستیم. در این نوع شبکه، تعاملات و پیوندهای متعددی هم در عرصه‌های رسمی با مراکز دولتی ایجاد شده و هم در حوزه غیررسمی با نهادهای غیردولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و سایر مراکز شکل گرفته است. تمایز این شبکه با سایر شبکه‌ها در این است که بیشترین تنوع طیف دانشجوی مهاجر افغانستانی در این نوع شبکه به چشم می‌خورد. دانشجویان متولد ایران، دانشجویان تازه‌وارد و با سابقه و

قومیت‌ها و مذاهب گوناگون مهاجران، پیوندهای زیادی با یکدیگر برقرار کردند و مهم‌ترین منابع در جریان میان پیوندها خدمات آموزشی، علمی، هنری، ورزشی و فرهنگی است که هم در دانشگاه و هم در خارج از دانشگاه به سایر مهاجران افغانستانی ارائه می‌شود. خرده‌شبکه‌هایی که در قالب شبکه‌های اولیه و ثانویه شکل می‌گیرند، منابع ارزشمند متعددی را ردوبدل می‌کنند، از جمله اطلاعات مهم در خصوص اسکان، شغل، هنجارها، عرف و قوانین جامعه، فعالیت‌های ورزشی، هنری، فرهنگی، دستیابی به سیستم حمل‌ونقل و رفت‌وآمد، چگونگی کاهش هزینه‌ها و دستیابی به تسهیلات مرتبط با دانشجویان، حمایت‌های عاطفی-روانی و مالی از دانشجویان، فعالیت‌های سیاسی و آموزشی. دانشجویان مهاجر متولد ایران، یعنی نسل دوم و سوم، دوستان و پیوندهایی از قومیت‌های مختلف افغانستانی با مذاهب گوناگون دارند. شبکه‌های اجتماعی این گروه بسیار متنوع و کاربردی است. آن‌ها علاوه بر شبکه‌های درون‌گروهی و قومیتی خاص، در شبکه‌های برون‌گروهی با پیوندهایی از جامعه ایرانی نیز عضوند. شبکه فرهنگی-اجتماعی-آموزشی تلفیق میان دانشجویان مهاجر متولد ایران و افغانستان و تا حدودی دانشجویان و اعضای جامعه ایرانی است که نمایانگر ادغام نسبی این گروه در جامعه میزبان است. دامنه ارتباطات و تعاملات در این شبکه گسترده است. دانشجویان با سابقه و متولد ایران به دنبال پیشرفت و دستیابی به منابع بیشتر و ارزشمندتر هستند. سرمایه اجتماعی در بین این گروه و در شبکه‌های آن‌ها نسبت به سایر مهاجران، بالاتر است که آن‌ها را در پیدا کردن شغل و موقعیت اجتماعی بهتر یاری می‌کند. در بین اقوام مختلف دانشجویی، قومیت هزاره (به‌خصوص زنان و دختران این قومیت) تلاش مضاعفی برای ارتقای موقعیت اجتماعی از طریق آموزش و تحصیل انجام می‌دهند. این امر تا حدودی به دلیل تبعیض و محرومیت‌های متعدد در جامعه مبدأ و مقصد است. آموزش و تحصیل یکی از راه‌های تحرک اجتماعی و دستیابی به موقعیت بهتر اجتماعی و اقتصادی است و به‌عنوان یک راهبرد بقا از سوی آنان به کار گرفته می‌شود. به‌طور کلی تحلیل کیفی شبکه‌های اجتماعی دانشجویان نشان داد مکانیسم‌های شکل‌گیری روابط در شبکه‌ها به‌خصوص در بین دانشجویان تازه‌وارد، ترجیح برقراری تعامل و پیوند با افرادی شبیه خودشان (اصل هموفیلی) است. این شباهت از منظر دانشجویبودن، افغانستانی‌بودن، هم‌قوم و هم‌مذهب‌بودن، بیش از سایر موارد بود. هرچند دانشجویان در ظاهر اذعان دارند که تعصبات قومیتی در شکل‌گیری پیوندها و تعاملاتشان در شبکه‌های موجود نقشی ندارد، اما در واقعیت امر نشانه‌هایی از مرزهای نامرئی موجود در بین آن‌ها و غلبه ته‌نشست‌های قومیتی در برقراری تعاملات و پیوندها مشاهده می‌شود. این نگاه در بین دانشجویان تازه‌وارد از افغانستان پررنگ‌تر و در بین مهاجران نسل دوم و سوم که در فضای ایران رشد کرده‌اند، کمتر نمود دارد و در برخی تعاملات، ناخودآگاه خود را نشان می‌دهد.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه دوره دکتری نویسنده اول با عنوان «راهبردهای بقا در بین مهاجران افغانستانی با رویکرد شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: استان تهران)»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آرامی، سعیده و اعظم آزاده، منصوره (۱۴۰۳). مهاجرت به مثابه ارزش (واکوی معنایی مهاجرت از منظر اقدام‌کنندگان به مهاجرت‌های بین‌المللی). *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۲)، ۱۴۵-۱۶۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461>
- ایمان، محمدتقی، طبعی، منصور، خسروی، رقیه و رضایی، آسیه (۱۴۰۲). تحلیل کیفی شبکه اجتماعی تصمیم‌سازی مدیران دبیرستان‌های دولتی شهر شیراز. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۷(۳)، ۹۰-۶۵. <https://doi.org/10.22034/jss.2024.2009879.1792>
- باستانی، سوسن و ساعی‌مهر، منیره (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱(۱)، ۱۳۶-۱۶۷. <https://doi.org/20.1001.1.17351901.1386.8.1.5.3>
- باستانی، سوسن، کمالی، افسانه و صالحی هیکویی، مریم (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین‌شخصی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، ۱۶(۶۱)، ۴۱-۸۱. <https://doi.org/20.1001.1.24766933.1387.1387.5.2.9>
- سالنامه مهاجرتی ایران (۱۴۰۱). *رصدخانه مهاجرت ایران*. <https://imobs.ir>
- سعیدی، سعیده (۱۴۰۱). *زندگی در پاورقی، تجربه زیسته اتباع افغانستانی در نهاد آموزش ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹). غربیه‌های قریب: بررسی تجربه زیسته دانشجویان افغانستانی ساکن ایران در بحران کرونا. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۲(۲)، ۱۴۵-۱۷۹. <https://doi.org/10.22035/isih.2020.3861.3993>
- سعیدی، سعیده و فلاحتی، لیلا (۱۳۹۹). تحلیل جنسیتی چالش‌های دانشجویان افغانستانی در ورود به نظام آموزش عالی ایران. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۲)، ۱۵۳-۱۷۴. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1399.11.2.4.5>
- شکوری، علی (۱۴۰۳). مطالعه منابع و عوامل مؤثر بر دریافت حمایت اجتماعی در میان نودانشجویان. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۲)، ۲۲۱-۲۳۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368810.1462>
- میرزایی، حسین (۱۳۹۶). بررسی انطباق تحصیلی مهاجران افغانستانی در ایران. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۴)، ۴۳-۸۴. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650>
- Ahrens, P. (2018). Qualitative network analysis: A useful tool for investigating policy networks in transnational settings?. *Methodological Innovations*, 11(1), 1-9. <https://doi.org/10.1177/2059799118769816>
- Arami, S., & Azam Azadeh, M. (2014). Migration as a Value (A Semantic Analysis of Migration from the Perspective of International Migrations' Participants). *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 13(2), 145-160. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368680.1461> (In Persian)
- Attridge-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
- Bastani, S. (2001). *Middle Class Community in Tehran: Social Networks, Social Support and Marital Relationships*. Toronto: University of Toronto.
- Bastani, S., & Saeimehr, M. (2007). Social Capital and Migration and Settlement in Large Cities: The Case of Tabriz City. *Iranian Journal of Sociology*, 8(1), 136-167. <https://doi.org/20.1001.1.17351901.1386.8.1.5.3> (In Persian)
- Bastani, S., Kamali, A., & Salehi-Hikoei, M. (2008). Network social capital and interpersonal mutual trust. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University*, 16(61), 41-81. <https://doi.org/20.1001.1.24766933.1387.1387.5.2.9> (In Persian)
- Beech, S. E. (2015). International student mobility: the role of social networks. *Social & Cultural Geography*, 16(3). <https://doi.org/10.1080/14649365.2014.983961>
- Bilecen, B., Gamper, M., & Lubbers, M. J. (2018). The missing link: Social network analysis in migration and transnationalism. *Social Networks*, 53, 1-3. <https://doi.org/10.1016/j.socnet.2017.07.001>

- du Plooy, D. R., Lyons, A., & Kashima, E. S. (2020). Social capital and the well-being of migrants to Australia: Exploring the role of generalised trust and social network resources. *International Journal of Intercultural Relations*, 79, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2020.07.001>
- Kim, E. (2009). Navigating college life: The role of peer networks in first-year college adaptation experience of minority immigrant students. *Journal of the First-year experience & Students in Transition*, 21(2), 9-34.
- Granovetter, M. (1985). Economic action and social structure: The problem of embeddedness. *American journal of sociology*, 91(3), 481-510. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1086/228311>
- Granovetter, M. (1973). The Strength of Weak Ties. *American Journal of Sociology*, 78(6), 1360-1380. <https://doi.org/10.1086/225469>
- Iman, M., Tabiei, M., Khosravi, R., & Rezaei, A. (2013). Qualitative analysis of the decision-making social network of public high school administrators in Shiraz. *Iranian Journal of Social Studies*, 17(3), 65-90. <https://doi.org/10.22034/jss.2024.2009879.1792> (In Persian)
- Iran Immigration Outlook (2022). *Iranian Migration Observatory*. <https://imobs.ir/> (In Persian)
- Lauer, S. R., & Yan, M. C. (2013). Voluntary association involvement and immigrant network diversity. *International Migration*, 51(3), 133-150. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2435.2010.00602.x>
- Majerski, M. M. (2017). *Networks of Mobility and Constraint: The Economic Integration of New Immigrants to Canada*. University of Toronto (Canada).
- Massey, D. S., & España, F. G. (1987). The social process of international migration. *Science*, 237(4816), 733-738. <https://doi.org/10.1126/science.237.4816.733>
- Mirzaei, H. (2017). Studying the educational adaptation of Afghan immigrants in Iran. *Journal of Social Work*, 3(4), 43-84. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2017.9650> (In Persian)
- O'Flaherty, M., Skrbis, Z., & Tranter, B. (2007). Home visits: Transnationalism among Australian migrants. *Ethnic and racial studies*, 30(5), 817-844. <https://doi.org/10.1080/01419870701491820>
- Putnam, R. D. (2007). E pluribus unum: Diversity and community in the twenty-first century the 2006 Johan Skytte Prize Lecture. *Scandinavian Political Studies*, 30(2), 137-174. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9477.2007.00176.x>
- Saeedi, S. (2022). *Life in the Footnote, the Lived Experience of Afghan Nationals in the Iranian Educational Institution*. Tehran: Institute for Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Saeedi, S. (2019). Almost Strangers: A Study of the Lived Experience of Afghan Students Living in Iran in the Corona Crisis. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 12(2), 145-179. <https://doi.org/10.22035/isih.2020.3861.3993> (In Persian)
- Saeedi, S., & Falahati, L. (2019). Gender analysis of the challenges of Afghan students entering the Iranian higher education system. *Iranian Quarterly Journal of Social Issues*, 11(2), 153-176. (In Persian)
- Shakouri, A. (2014). Study of sources and factors affecting the receipt of social support among 90s students. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 13(2), 221-235. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.368810.1462> (In Persian)
- Ulcelse, M., Bock, B., & Haartsen, T. (2022). Immigration, spatial inequality and place attractiveness. *Population, Space and Place*, 28(8), Article e2616. <https://doi.org/10.1002/psp.2616>